

## مجمع البيان افتخار شيعه

احمد رضوی / دوره نیمه تخصصی علوم و معارف قرآن

**چکیده:** ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۴۶۸-۵۴۸) از مفسران و متکلمان بزرگ امامیه در قرن ششم است. تفسیر گرانسنگ و جامع وی مشهور به "مجمع البيان فی تفسیر القرآن" - با الهام و استفاده از تفسیر شیخ طوسی - با نظم و ترتیبی ستودنی، از تفاسیر کارآمد و ماندگار شيعه است. بحث‌های حجیت، قراءات معانی واژه‌ها و اصطلاحات، نکات نحوی و اعراب کلمات و جملات، بیان علل و اسباب نزول و تفسیر و تأویل آیات سبب شده است همواره به عنوان یک مرجع تفسیری مورد استفاده مفسران قرار گیرد. این مقاله با نگاهی گذرا به زندگی و آثار علمی طبرسی به روش‌شناسی تفسیر او پرداخته، آراء و اقوال علمای شيعه را درباره اهمیت آن به رشته تحریر درآورده است.

**کلیدواژه:** روش‌شناسی مجمع البيان / طبرسی / تاریخ تفسیر / مجمع البيان فی تفسیر القرآن.

ابوعلی امین الاسلام یا امین الدین فضل بن حسن طبرسی به سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ هـ ق در مشهد متولد شد. وی برای ادامه تحصیلات عازم نجف اشرف شد و در اواخر عمر شریف خود به سبزوار آمد که در سال ۵۴۸ در سن حدود هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت. قول معروف و مشهور این است که در سبزوار از دنیا رفت<sup>۱</sup> و بعد پیکر پاکش را به زادگاهش مشهد برده، در میدان طبرسی فعلی (۱۳۸۱ش) دفن کردند. اما بعضی نیز معتقدند وی در سبزوار مدفون است.

### واژه طبرسی

اعراب این واژه را به فتح طاء و سکون باء و کسر راء گفته‌اند<sup>۲</sup> اما آیت الله محمدهادی معرفت اعراب این کلمه را به فتح طاء و سکون باء و فتح راء (بر وزن جَعْفَرُ) می‌دانند. بعضی این واژه را معرّب تفرش - اطراف اراک و نواحی قم - می‌دانند.

چرا که اگر مرحوم طبرسی را طبرستان باشد باید طبری گفته شود نه طبرسی، مانند محمدبن جریر طبری مورخ و مفسر معروف اهل سنت در قرن سوم. گروهی نیز طبرسی را از طبرستان می‌دانند و ضبط کلمه را چنین بیان کرده‌اند: «ان الکلمه الطَّبْرَسِي بفتح الطاء و الباء و سکون الراء نسبة الی طبرستان لا الی طَبْرَسِي باسکان الباء و کسر الراء معرب تفرش کما تخيله البعض»<sup>۳</sup>.

و برای این قول چهار دلیل بیان شده است:

۱- خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۴۰۲/۲.

۲- کریمان، حسین؛ طبرسی و مجمع البيان، ۱۵۶/۲.

رح شواهد مجمع البيان، تصحیح و تعلیق: سیدکاظم موسوی، مقدمه جلد اول.

- ۱- صاحب ریاض، میرزا عبدالله افندی اصفهانی در جلد چهارم خود و صاحب الروضات (میرزا باقر موسوی خراسانی) تصریح کرده‌اند که طبرستان را در حال معرب طبرسی گویند نه تفرش را.
  - ۲- غیر از صاحب مجمع البیان افراد دیگری نیز به طبرسی معروفند که در کتب اعلام به تفرش نسبت داده نشده‌اند مانند عمادالدین طبرسی صاحب الاحتجاج.
  - ۳- تمام علماء اهل تفرش را به صورت تفریسی منسوب می‌کنند نه طبرسی. مثل: سیدمصطفی بن حسین تفریسی صاحب نقد الرجال و سیدفضل الله بن عبدالجبار حسینی تفریسی و مرادعلی خان تفریسی.
  - ۴- در کتبی که اسامی شهرها را جمع‌آوری کرده‌اند اصلاً طبرسی را به تفرش نسبت نداده‌اند. لذا باید اعراب کلمه به فتح طاء و باء و اسکان راء (از طبرستان) دقیق‌تر باشد. محمدحسین ذهبی نیز همین قول را پذیرفته است.<sup>۱</sup>
- شیخ طبرسی از شاگردان شیخ ابوعلی حسن بن محمد طوسی صاحب تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن می‌باشد چنانچه تفسیر مجمع البیان وی بسیار از آن تفسیر متأثر بوده است و از شاگردان معروف وی می‌توان ابن شهرآشوب - صاحب معالم العلماء - و قطب‌الدین راوندی را نام برد.<sup>۲</sup>

#### تفاسیر هم‌عصر طبرسی:

الف) تفاسیر معروف شیعه در قرن ششم:

- ۱- "روح الجنان و روح الجنان" یا "روح الجنان و روض الجنان" فی تفسیر القرآن تألیف حسین بن علی بن احمد خزاعی معروف به ابوالفتوح رازی.
- در کتاب "معالم العماء" ابن شهرآشوب - ص ۱۲۳ - به نام اول اشاره شده است و اما در کتاب "فهرست منتخب الدین" نام دوم به ابوالفتوح نسبت داده شده است.
- ۲- "تفسیر القرآن" و "خلاصه التفاسیر" تألیف ابوالحسن سعیدبن هبه الله معروف به قطب‌الدین راوندی، و چند تفسیر دیگر.

ب) تفاسیر معروف اهل سنت در قرن ششم:

- ۱- الکاشف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ تألیف علامه محمودبن عمر بن محمدبن عمر، ابوالقاسم زمخشری (۵۳۸-۶۱۷هـ).
- ۲- احکام القرآن تألیف محمدبن عبدالله بن محمدبن عبدالله بن احمد امام ابوبکر بن عربی معافری اندلسی.

- ۳- تفسیر کبیر تألیف فخر رازی (۶۰۶-۵۴۴هـ) شافعی مذهب و اشعری مسلک.

۱- ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، ۱۰/۲.

۴- کشف الاسرار و عده الأبرار تألیف علامه میبدی (۵۵۲) از شاگردان خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱) صاحب تفسیر قرآن.

### تألیفات شیخ طبرسی

- ۱- جوامع الجامع (در بعضی کتب جامع الجوامع ضبط شده است).
- ۲- الکاف الشاف (در بعضی منابع الکافی الشافی ذکر شده است).
- ۳- مجمع البیان که به نامهای "مجمع البیان فی تفسیر القرآن" و "مجمع البیان لعلوم القرآن" و "مجمع البیان فی معانی القرآن" نامیده شده است. (بنا بر آنچه در مقدمه جوامع بیان شده باید همان لعلوم القرآن درست باشد). این کتاب از مهم‌ترین تألیفات شیخ طبرسی است که در ده جزء و پنج مجلد به زبان عربی به چاپ رسیده است. نخستین چاپ سنگی آن شاید به تاریخ ۱۳۳۴ هـ ش در دو جلد به کوشش مهدی‌بن جعفر در تهران صورت گرفته است و بهترین چاپ آن توسط علامه ابوالحسن شعرانی در تهران سال ۱۳۸۲ هـ ق در پنج جلد و ده جزء در مکتبه اسلامیة انجام شد.<sup>۱</sup>

### وجه تسمیه

مجمع البیان نام تفسیر کبیر شیخ طبرسی است شادی این نام جهت مقابله با تفسیر "جامع البیان" محمدبن جریر طبری باشد که شامل تمام علوم قرآنی بوده است. چنانچه در مقدمه جوامع الجامع چنین بیان شده "فانی لما فرغت من کتابی الکبیر فی التفسیر الموسوم بمجمع البیان لعلوم القرآن...".<sup>۲</sup>

### سبب تألیف

در مقدمه کتاب مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تصحیح و تعلیق سیدهاشم رسولی محلاتی) به قلم محسن حسینی عاملی داستان سکنه شیخ طبرسی از کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - تألیف حاج میرزا حسین نوری طبرسی متوفی ۱۳۲۰ هـ ق - آمده است. (حاج میرزا حسین نوری داستان را از کتاب تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین تألیف ملافتح الله کاشانی نقل می‌کند). داستان از این قرار است: شیخ طبرسی دچار عارضه سکنه شد، پس از غسل و کفن او را دفن نمودند. ناگهان در میان قبر قلبش به حرکت افتاده متوجه می‌شود که زنده است، همان لحظه نذر می‌کند که اگر از قبر نجات یافت تفسیری بر کتاب عزیز بنویسد؛ در همین لحظات فردی کفن دزد قبر را باز می‌کند تا کفن شیخ را بدزد، شیخ دست وی را گرفته، می‌گوید: "برایم جامه‌ای بیاور کفن را به تو می‌دهم!" پس از چنین جریانی شیخ به تألیف تفسیر مجمع البیان پرداخت.

۱- خرمشاهی، ۱۴۰۳/۲.

جامع، تصحیح و تعلیق: ابوالقاسم گرچی، ۱۴/۱.

استاد محسن حسینی عاملی بعد از نقل این داستان آن را نپذیرفته، چنین می‌نویسد: "و مما یبعد هذه الحکایه مع بعدها فی نفسها من حیث استبعاد بقاء الحیاه المدفون بعد الافاقه أنّها لو صحت لذكرها فی مقدمه مجمع البیان لغرابتها و لاشتمالها علی بیان السبب فی تصنیفه مع انه لم یتعرض لها و الله اعلم!"<sup>۱</sup>

دکتر محمدحسین ذهبی نیز در این باره می‌گوید:

"عجب است که علت و غایت نوشتن این تفسیر گرانها را یک داستان ساختگی از سکتة طبرسی و بیرون آمدن او از قبر بدانیم!"<sup>۲</sup>

از آنجا که این تفسیر از همان ابتدا مورد توجه خواص و عوام و علماء و مفسران اهل سنت و شیعه بوده است به نقل اقوال چند تن از ایشان می‌پردازیم:

*الف: اقوال و عبارات علماء شیعه:*

۱- مرحوم شهید ثانی در اجازه‌ی روایت که به "ابن خازن حائری" می‌دهد، می‌گوید: "و همچنین اجازه داده‌ام روایت کتاب مجمع البیان فی تفسیر القرآن تألیف امین‌الدین ابی علی فضل بن حسن بن طبرسی را، که تفسیری چون آن تألیف نشده است."<sup>۳</sup>

۲- محدث نوری در وصف مجمع البیان می‌نویسد: "الذی عکف علیه المفسرون" یعنی تفسیری که مفسران جهت استفاده و بهره‌وری در آستان آن به اعتکاف نشستند.<sup>۴</sup>

۳- صاحب تأسیس الشیعه مرحوم سیدحسن صدر می‌فرماید:

تفسیر مجمع البیان، اسمی هماهنگ با مسمی است و لفظی است جامع معنی که در ده جلد قرار دارد. مجمع البیان تفسیری است که نظیر آن تاکنون در جهان اسلام نگارش نیافته است. تمام فنون قرآن را با کوتاه‌ترین بیان و نیکوترین وجه عرضه کرده است. این کتاب الحق راهنمای تمام آثار تفسیری است و بدون تردید از بهترین و زیباترین تفاسیری است که تا عصر تألیف آن نظیرش در جامعیت و گستردگی نیامده بود. مجمع البیان تفسیری است مشحون از غرائب ادبی و نکات دینی و اشارات دقیق و نکته‌های بدیع ادبی و از این رو است که مورد اقبال و توجه عالمان دین قرار گرفته است.<sup>۵</sup>

*ب: اقوال و عبارات عالمان اهل سنت:*

۱- شیخ عبدالمجید سلیم مفتی اعظم دیار مصر و رئیس اسبق دانشگاه الازهر در این باره می‌گوید:

۱- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، تصحیح و تعلیق: هاشم رسولی محلاتی، ۱۶/۱.

۲- ذهبی، ۱۰۲/۲.

۳- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۳۴۲/۴.

۴- نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، ۴۸۶/۲.

۵- ۳۴.

مجمع البیان کتابی است گران‌سنگ، سرشار از دانش و معرفت، آکنده از فوائد و معانی، با ترتیبی نیکو و شایسته، اگر بگوئیم این تفسیر، سرآمد تمام تفاسیر قرآن و مرجع دانش‌ها و مباحث قرآنی است مبالغه و گزاف نگفته‌ایم و راه خطا نیموده‌ایم.<sup>۱</sup>

۲- استاد شیخ محمود شلتوت، پیشوای مردم مصر، منادی وحدت جهان اسلام و مفتی سابق دیار مصر (رئیس اسبق دانشگاه الازهر) در مقدمه مبسوطی که بر چاپ مصری مجمع البیان نگاشته چنین نوشته است: مجمع البیان، در بین کتاب‌های تفسیری قرآن، بی‌همتا است. این تفسیر با گستردگی خاص، ژرفای ویژه، عمق معانی و تنوع مباحث، در تبویب و تنظیم و ویرایش، از امتیاز و ویژگی خاصی برخوردار است که آن را در تفاسیر پیشین بی‌نظیر و در آثار پس از آن کم‌نظیر ساخته است. سابقه ذهنی که از کتاب‌های گذشتگان دارم، این است که آیات و روایات را در مسائل مختلف گردآوری کرده، و هنگام بحث همه را یک‌جا می‌آوردند. گاه پیش می‌آمد که به جهت اختلاط و اشتراک فنی با فن دیگر خواننده نمی‌توانست خود را از میان آن مجموعه‌ها نجات دهد. گاهی به یک بعد از ابعاد مسأله در حد ملال‌آور و در بعد دیگر از همان مسأله در حد اخلال می‌پرداختند. اما مجمع البیان شاید نخستین تفسیری است که توانسته است حق مطلب را ادا کند و همگام با ایراد بحث و عمق دانش، چنین نظم و ترتیب و سبک عالی نیز داشته باشد. این کتاب به خواص و مزایای تفسیری قرآن پرداخته، علاوه بر آن روش‌های علمی و فکری ارزنده‌ای نیز در خود جای داده است.

۳- علامه ذهبی در فضل طبرسی و کتابش مطالبی را از کتاب "مجالس المؤمنین" تألیف علامه قاضی نورالله شوشتری به این عبارت نقل می‌کند: وی (شیخ طبرسی) از نحاریر علماء تفسیر است. تفسیر کبیر - مجمع البیان - برای اثبات جامعیت او در فنون فضل و کمال بیانی کافی و دلیلی وافی است.<sup>۲</sup> و بعد از نقل این عبارات نظر خودش را بیان می‌کند و می‌نویسد: "و الحق ان التفسیر الطبرسی - بصرف النظر عما فیه من نزعات تشیعیه و آراء اعتزالیه - کتاب عظیم فی بابہ، یدل علی تبحر صاحبه فی فنون مختلفه من العلم و المعرفه."<sup>۳</sup>

### سبک تفسیری شیخ طبرسی در مجمع البیان

شیخ طبرسی عنوان مقدمه تفسیر مطالبی را از علوم قرآن در هفت فن بیان می‌کند و سپس وارد بحث تفسیری هر سوره می‌شود. عناوین فنون هفت‌گانه از این قرار است:

فن اول: تعداد آیات قرآن و فوائد شناخت آن.

فن دوم: اسامی قراء مشهور و راویان آنها در شهرها.

۱- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۱/۲.

۲- شوشتری، نورالله؛ مجالس المؤمنین، ۴۹۰/۱.

فن سوم: بیان معانی تفسیر و تأویل.  
فن چهارم: بیان اسامی قرآن و معانی آن.  
فن پنجم: بیان مختصری از علوم قرآن.  
فن ششم: اخباری در فضیلت قرآن و اهل آن.  
فن هفتم: در ذکر آنچه برای خواننده قرآن مستحب است.  
سبک و روش تفسیری شیخ در مجمع البیان "ادبی و لغوی" است.<sup>۱</sup> بیهقی از معاصرین طبرسی در تاریخ خود می‌نویسد: این امام در نحو فرید عصر بود.<sup>۲</sup> اما حالا این تفسیر را از جمله تفاسیری می‌شمارند که به "روش جامع" نوشته شده است.

ترتیب مطالب کتاب در هر سوره به نحو ذیل است:  
الف) بحث درباره جنبه مکی و مدنی بودن هر سوره.  
ب) شماره آیات سوره و اختلافات موجود.  
ج) نام‌های سوره و وجه تسمیه آن.  
د) ذکر فضیلت سوره که غالباً از طریق ابی‌بن کعب از پیامبر اسلام ذکر کرده است.  
ه) بیان اختلاف قرائت با ذکر دلیل پذیرش قول مشهور.  
و) بحث لغت و مفردات آیات و وجه اشتقاق و تصریف آن.  
ز) توجیه اعراب کلمات و جملات و ترکیب آنها.  
ح) بیان علل و اسباب النزول.  
ط) تحریر معانی، احکام و تأویلات آیات.  
تمام این مباحث با عناوین القرائه، الحجه، اللغه، الاعراب و المعنی آمده است و گاه برای تفسیر آیه‌ای از آیه دیگر کمک گرفته، مؤید نظر خود را بیان می‌کنند.  
در خصوص آیات الاحکام که در قرآن حدود ۵۰۰ آیه<sup>۳</sup> است شیخ ابتدا اقوال مختلف فرق اسلامی را بیان می‌کند، سپس اعتقاد شیعه را شرح داده آنگاه نظر خود را به صورت فتوا بیان می‌کند. نظرات ایشان نشان‌دهنده تبخّر ویژه‌اش در فقه است.

### منابع و رجال مجمع البیان

تنها کتابی که طبرسی به آن اشاره می‌کند التبیان شیخ طوسی است که اساس تبویب تفسیرش نیز آن بوده است، و به دیگر منابع تصریحی نشده است. ولی درباره منابع تفسیر وی علما نظرات مختلفی دارند. دکتر

۱- کریمان، ۱۷۰/۲.

۲- کریمان، ۱۸۱/۲.

حسین کریمان در این باره می‌نویسد:<sup>۱</sup> من تمام تفسیر را مطالعه کردم و به این نتیجه رسیدم که طبرسی از ۲۴ کتاب در تفسیر خود استفاده کرده است که ۱۴ اثر مصنفات شیعه و بقیه از کتب اهل سنت است. و در مجموع از ۱۲۰ تن روایت می‌کند که ۶۲ تن از آنها شیعه، سه تن زیدیه و بقیه اثنی عشری و ۵۵ تن از اهل سنت و جماعت‌اند. طبرسی دقت زیادی در احوال راوی و صحت خبر داشته است، چنانچه خود می‌نویسد: "و اعلم ان الخبر قد صح عن النبی (ص) و عن الائمه (ع) القائمین مقامه؛ ان تفسیر القرآن لایجوز الا بالاثر الصحیح و النص الصریح".<sup>۲</sup>

دکتر کریمان چنین ادامه می‌دهد: از مزایای این تفسیر که آن را از تفاسیر دیگر ممتاز گردانیده، حسن سلیقه مؤلف در شیوه تنظیم و ترتیب مطالب است چنانچه شیخ در مقدمه مجمع البیان<sup>۳</sup> چنین می‌نویسد: "و ابتدأت بتألیف کتاب هو فی غایه التلخیص و التهذیب و حسن النظم الترتیب بجمع انواع هذا العلم و فنونه، و یحوی فصوصه و عیونه، من علم قرائته و اعراب و لغاته و غوامضه و مشکلاته و معانیه و جهاته و نزوله و اخباره، قصصه و آثاره و حدود و احکامه و حلاله و حرامه و الکلام علی مطاعن المبطلین فیہ و ذکر ما یتفرّد به اصحابنا (رضی الله عنهم) من الاستدلالات بمواضع کثیره منه علی صحه ما یعتقدونه من الاصول و الفروع و المعقول و المسموع، علی وجه الاعتدال و الاختصار فوق الايجاز و دون الاکتار، ... و سمیته کتاب مجمع البیان لعلوم القرآن ... و لابد من معرفتها لمن اراد الخوض فی علومه تجمعها فنون سبعة".<sup>۴</sup>

در کتاب ریحانه الادب تاریخ آغاز نگارش این کتاب سال ۵۳۰ هـ.ق و تاریخ پایان آن نیمه ذی القعدة سال ۵۳۴ هـ.ق بیان شده است،<sup>۵</sup> بنابراین چهار سال از عمر بابرکت مؤلف به آن اختصاص یافته است. از مطلبی که در مقدمه جوامع الجامع خود بیان کرده‌اند معلوم می‌شود که شیخ تا زمان تألیف کتاب مجمع البیان از کتاب کشف زمخشری اطلاعی نداشته است، زیرا چنین می‌نویسد:

بعد از تألیف مجمع البیان با کتاب الکشاف زمخشری آشنا شدم و در آن مطالب ارزنده‌ای یافتم لذا مطالب ناب را از مجمع البیان و کشاف با نام جوامع الجامع<sup>۶</sup> جمع کردم.

۱- کریمان، ۳۵/۴.

۲- طبرسی، ۱۳/۱.

۳- همان، ۱۰/۱.

۴- همان.

۵- مدرس تبریزی، محمدعلی؛ ریحانه الادب، ۱۷۸/۳.